

# نقش عقل اجتماعی

## در پیدایش ادیان

ارزش مطالعه انگیزه های دینی - نظریه اجتماعی  
جامعه-دین مولود شرائط و پدیده های اجتماعی است ۱ - اصالت  
پدیده های اجتماعی - اصل علیت عقل اجتماعی - اصل حاکمیت  
پدیده های اجتماعی - بررسی نتایج مفهوم نظریه عقل اجتماعی

پی جوئی از انگیزه های دینی و بررسی پیدایش ریشه های اصلی  
حس مذهبی و چگونگی علل و عواملی که در بنیادگیری و نمو اعتقاد و ایمان  
مذهبی در افکار و اجتماعات بشری نقش اساسی را بعهده داشته است از جمله  
مسائل جالب و در عین حال اصولی و عمیقی است که همواره شرائط و زمینه  
مساعدی را برای یک سلسله بحثها و بررسیهای فکری زنده و دنباله داری  
در برداشته است .

و از آنجا که دین - با مفهوم جامعه‌ای که دارد - ارتباط و همبستگی  
کامل با نواحی و شئون مختلف زندگی دارد و اصولاً در آن اساسیترین مسئله  
زندگی یعنی راه سعادت و به زیستی مطرح بوده است از اینرو بررسیهای  
دینی در میان سلسله بحثهای فکری و اصولی زندگی حائز اهمیت فراوان  
و ارزش فوق العاده گردیده و متفکرین و دانشمندان در تحقیق و بررسی از

حقیقت دین وریشه های اصلی وانگیزه های آن کوشهای دامنه داری نموده و هر کدام بفرخور استعداد عقلی و علمی وعدهای از دیدگاه فن ودانشی که در آن تخصص داشته اند، در این باره ببررسی وپی جوئی پرداخته وقضاوتها ونظرات گوناگونی ابراز نموده واحیاناً بااعمال نظرات غیر علمی واستناد بمبانی غلط دچار لغزش وانحرافات عجیبی گردیده اند که امروز برای عدهای موجب تعجب وتأسف و برای جمعی مایه حیرت وگمراهی وتباهی شده است. اکثر نظرات افراطی و نادرستی که در باره منشأ پیدایش ادیان و انگیزه های گرایش توده ها بمعتقدات مذهبی ابراز شده معمولاً از بررسیهای سطحی و ناقصی سرچشمه گرفته است که روی ادیان خرافی و کیفیت دین- پذیری توده های ساده لوح وانعطاف پذیر صورت گرفته است .

قابل تردید نیست که ادیان ساختگی از آنجا که ارتباطی بمبدء وحی ندارد از علل وعواملی پدید میآید که جز باجنبه های مادی قابل تفسیر و توجیه نمیشد و همچنین گرایش افراد فاقد رشد علمی وفکری بادیان و معتقدات مذهبی نیز معمولاً از عامل وراثت وشرائط اجتماعی وبالاخره از انگیزه های غیر علمی سرچشمه میگیرد .

ناگفته پیداست که تأثیر عوامل مادی در پیدایش يك سلسله ادیان خرافی و بنیانگیری معتقدات نادرست مذهبی ونیز پیروی کورکورانه عدهای از مردم کم رشد از دعوتهای دینی حق یا باطل دلیل آن نمیتواند باشد که همه ادیان از شرائط ومقتضیات مادی بنیان گرفته وگرایش همه مردم باایمان وعلاقمند بدین بآئینهای مقدس آسمانی بر اثر عوامل وعلل غیر علمی صورت گرفته است .

ولی هنگامیکه ما نظرات بعضی از دانشمندان غربی را درباره تفسیر پیدایش ادیان و بنیانگیری معتقدات مذهبی در جامعه مطالعه میکنیم با کمال تأسف با چنین اشتباه بزرگ و کوتاه بینی علمی! و احیاناً سفسطه واضح روبرو میشویم.

این دسته از دانشمندان غربی که خوشبختانه تعداد انگشت شماری بیش نیستند معمولاً پس از یک سلسله تحقیقات و بررسیهایی که در رشتدای از علوم بعمل میآورند بعلل مختلفی که اکنون ما در صدد بیان آن نیستیم بسراغ مسائل مذهبی رفته و از تحقیقات باصطلاح علمی خود برای تأیید نظرات افراطی ضد دینی بهره برداری مینمایند.

از معروفترین دانشمندانیکه در باره تفسیر پیدایش ادیان و چگونگی تکون و نمو معتقدات مذعی در میان اجتماعات بشری دچار انحراف و توهمات نادرست گردیده اند میتوان «درکیم» (۱) جامعه شناس فرانسوی معروف و فروید روان شناس سوئدی و مارکس بنیان گذار کمونیسم جهان را نام برد (۲)

استنتاجات نادرست و سودجوئیهای ریاکارانه و بهره برداریهای سفسطه آمیزیکه معاندین دین و دشمنان مذاهب از اینگونه نظرات بی اساس برای فرار کوی ادیان بر علیه دستگاههای دینی نموده اند بمراتب بیشتر از نتایج و مقاصدی بوده است که باینان اصلی اینگونه نظرات منظور داشته اند (۳)

### (۱) Durkheim

- (۲) جالب آنکه این سه دانشمند که نظراتشان باصطلاح علمیتربین و اصولیتربین تکیه گاه مخالفین دین محسوب میگردد از یهودیان سرشناسی هستند که در نهضت جهانی یهود و پیشبرد نشه های صهیونیسم تأثیر بسزائی داشته اند.
- (۳) از نمونه های بارز این سودجوئیهای سفسطه آمیز میتوان کنایه را نام ←

### نظریه عقل اجتماعی جامعه

امکاناتی که از نظر کمیت مقاله در این گفتار داریم بیش از این بجا فرصت و اجازه نمیدهد که در اینجا بیحث و بررسی درباره نظریه جامعه—

→ بر ده چندی پیش تحت عنوان فریبنده «تاریخ ادیان» انتشار یافت.

این کتاب در حقیقت مجموعه‌ای از کلیه نظریات ضد دینی میباشد و مؤلف آن بدون توجه به تناقضات و تضادهای واضحی که بین اینگونه نظرات وجود دارد با پراکنده گوئیها و سفسط کاریهای ریاکارانه ای از آنها بعنوان بنشهای نوین و کاشکریهای علمی! در زمینه تفسیر بنیانگیری افکار و عقائد دینی و توجیه ریشه‌های اصلی پیدایش ادیان بهره برداری نموده و باین سلسله پشت سر هم اندازیها و گزافه گوئیهای متناقض با صراحت و قبحانهای تمام دستورات و عقائد و مفاهیم دینی را تبه اندیشی و نادانی و تاریک اندیشی می‌نامد! و منطق عقلی را بنیان کن خداگرایی می‌شمارد.

ولی همین نویسنده نیمایه بفاصله کوتاهی بدون توجه به تناقض گوئیهایش اعتراف میکند که علم توان نفی و اثبات خدا را ندارد و در جای دیگر زبان بستایش ادیان و پیامبران بزرگ گشوده ریاکارانه تاریخ ادیان را بررسی انسانیت و کاشکری در احوال بزرگ مردانی که گروههای بشری را بترقی و تعالی سوق داده اند معرفی مینماید ولی باز بمناسبت دیگری برده از مقاصد نهانی و اصلی برداشته و بیشرمانه دیدن داران را که نه پرست و تاریک اندیش و پیامبران بزرگ را شعبده باز و افسونگر! هشمارد.

تکرار اینگونه تناقض گوئیها و پریشان سرائیهها و گزافه گوئیها باروش ریاکارانه مخصوصی قسمت عمده صفحات چندصد صفحه‌ای این کتاب را تشکیل

می‌دهد.

شناس‌فرانسوی اکثفا نموده و گفتگو در زمینه نظرات دیگر را بمناسبت‌های دیگری موکول نمائیم .

امیل درکیم با ابداع نظریه اصالت و حاکمیت عقل اجتماعی جامعه‌دردانش جامعه‌شناسی تحول عمیقی ایجاد نموده و روش نوینی را در شناخت حالات و درگرگونی‌های اجتماعی بکار بسته است و بجهت همین نظرات تازه معمولاً ویرا از معروفترین دانشمندان جامعه‌شناسی بشمار آورده‌اند و در کتاب خود (۱) نظریه جدید جامعه‌شناسی نوین را چنین توضیح میدهد :

« حالات روانی خاصی که در ادراکات جامعه انعکاس می‌یابد با »  
 « حالاتی که در مشاعر فرد منعکس میشود کاملاً متفاوت و از نظر ماهیت از »  
 « یکدیگر تمایز ذاتی دارند و هر کدام از آن‌ها دارای قوانین و روشهای »  
 « خاصی است که اعمال آن در باره دیگری امکان‌پذیر نیست . »  
 « انواع روشها و طرز تفکرهای اجتماعی که در افراد مشاهده میشود »  
 « حقایق خارج از حدود ذهن و روان فردی بوده و افراد در پذیرش آن در »  
 تمام لحظات زندگی ناگزیر میباشند .  
 « در حقیقت این روشها و افکار و ادراکات نتیجه فعالیت روانی و »  
 « ذهنی مجموعه‌ای از روانپاواذهان فردی است که سرانجام در روش و طرز »  
 فکر و ادراک خاصی وحدت نظر می‌یابند .

« اینگونه ادراکات اجتماعی بهیچوجه تابع اراده فرد نیست بلکه

(۱) این کتاب تحت عنوان « قواعد المنهج فی علم الاجتماع » توسط دکتر

محمود قاسم بزبان عربی ترجمه شده است .

«اراده افراد در برابر این ادراکات اجتماعی خاضع و مقهور می‌باشد.»  
هیچ پدیده اجتماعی از این قانون مستثنی نبوده و نمیتوان آن را مولود  
فعالیت روانی و فکری فردی یا افراد معینی دانست.

«بدیهیست آنجا که مادر مقام تمایز ادراک فردی با ادراک اجتماعی»  
«جامعه هستیم نیازی نداریم که بتوانیم ادراک جامعه را بصورت خاصی در  
زندگی خارج مجسم‌سازیم و برای آن حامل خارجی پیدا کنیم زیرا همین  
«اختلاف فاحش بین این دو نوع عقل و ادراک ما را بوجود دو حقیقت متمایز»  
«راهنمایی میکند و از این رو ما مجبوریم در تعیین و تشخیص ادراک اجتماعی  
«با اصطلاح و نام گذاری متوسل شویم».

جامعه شناس فرانسوی با پیروی از این اصل و نظریه نوین بررسی  
تحولات و پدیده‌های مختلف اجتماعی پرداخته و تأثیر و نفوذ و نقش اساسی  
عناصر فردی را در این تحولات بشدت انکار می‌کند و رزددو حکومت مطلقه و  
نقش اساسی را در مورد تمام پدیده‌های اجتماعی بعهد «عقل اجتماعی جامعه»  
میگذارد و ادعا میکند که ما باید بطور کلی تمام این تحولات و دیگر گونیهای  
اجتماعی را که مجموعه ای از پدیده‌های اجتماعی است بعنوان یک سلسله  
امور خارج از مسئولیت و وظیفه دستگاه عقلی و روانی فردی افراد جامعه  
مورد مطالعه قرار داده و آنها را معلول عقل اجتماعی و قاهر بر اراده افراد  
بشمار آوریم !!



### دین مولود عقل اجتماعی است!

این دانشمند با اصطلاح جامعه‌شناس با تکیه اینگونه دلائل و بیانات  
مسائل مذهبی را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در باره تفسیر پیدایش

ادیان و قوانین اخلاقی چنین اظهار نظر میکنند :

مسائلی چون دین و قانون ازدواج و تشکیل خانواده مانند سایر پدیده های اجتماعی صرفاً از عقل اجتماعی و ادراکات ویژه جامعه بصورت یک جبر اجتماعی پدید می آید و اراده و عقل و ادراک فردی کوچکترین تأثیری در تکوین اینگونه پدیده ها نداشته و هیچگونه عامل اصیل و غیر قابل تغییر دیگری در بنیانگیری آن اثر قابل توجهی نمیتواند داشته باشد!!

این دانشمندیهودی بدینترتیب استناد ادیان را بمبادی ثابت و غیبی وحی نفی نموده و اساس همه ادیان را بر پایه متزلزل و متغیر مقتضیات عقل اجتماعی بنا می نهد و در فروکوبی ادیان و دستگاههای دینی باین اندازه نیز اکتفا نموده و مسئله گرایش افراد را بادیان مورد بررسی قرار داده و بر طبق اصل حاکمیت عقل اجتماعی و پدیده های اجتماعی ، پیروی توده ها را از ادیان و مذاهب منوط باراده و ادراکات فردی شمرده و آنرا یک نوع انعطاف جبری و پذیرش غیر قابل اجتناب قلمداد میکند!!

و بعبارت دیگر در حقیقت این دید بیضای «عقل اجتماعی جامعه» است که ادیان و سنن و قوانین را خلق میکند و پیروی نمودن از آنرا بر عقل و اراده افراد تحمیل مینماید!

بنابر این هر گاه مبدء اعلاى «عقل اجتماعى» هر نوع دین و سنتی را ایجاب نمود خواه ناخواه افراد در پذیرفتن آن مقهور و مجبورند و اگر مقتضای عقل اجتماعی کنار گذاردن دین و سنن اخلاقی باشد ناگزیر باید عقل و اراده فردی نیز در برابر آن خاضع گردد و کورکورانه از مقتضیات عقل اجتماعی پیروی نماید!



### اصالت پدیده‌های اجتماعی

قبل از آنکه مادر اینجا وارد بی‌بحث و بررسی نتایج فلسفی نظریه این دانشمند جامعه‌شناس شویم لازمست ابتداء درباره مبانی و اصول نظریه وی کمی تأمل و وقت نمائیم و تا آنجا که امکانات اجازه میدهد از میزان ارزش علمی این نظریه آگاه گردیم .

اصول اساسی نظریه عقل اجتماعی را بطور کلی در سه اصل زیر میتوان

خلاصه نمود .

۱ - اصالت پدیده‌های اجتماعی .

۲ - اصل علیت عقل اجتماعی .

۳ - حاکمیت پدیده‌های اجتماعی .

اولین اصلی که این دانشمند یهودی آنرا پایه نظریه خود قرار داده مسئله اصالت پدیده‌های اجتماعی و نفوذ ناپذیری آن در برابر عقل و ادراک و اراده‌های فردی است . *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ریشه صحیح این مطلب را میتوان در گفته‌های جامعه‌شناسانی چون منتسکیو و اسپنسر پیدا نمود . این دو دانشمند جامعه‌را یک موجود زنده‌ایکه دارای دستگاها و اعضاء مرتبط و هماهنگ میباشد تشبیه کرده ملاحظه همبستگی دستگاها و اعضاء اجتماعی و ارتباط پدیده‌های اجتماعی را همچون ارتباط دقیق اعضاء یک موجود زنده در مطالعه حوادث و دیگر گونیه‌های اجتماعی ضروری شمرده‌اند .

بعقیده اسپنسر هیئت اجتماع مانند تن آدمی است که برای وظائف



مختلف‌زندگی ابزار و اعضاء خاصی دارد و این ابزار و اعضاء در آغاز بصورت ساده و از نظر تعداد بسیار محدود و مختصر میباشد و هرچه کاملتر میگردد اعضاء نیز متنوعتر و پیچیده‌تر و همبستگی آنها افزونتر و دقیقتر می‌شود. همچنین دستگاہها و پدیده‌های اجتماعی نیز دارای وظائف مخصوصی بوده و در میان آنها همبستگی و ارتباط دقیق علت و معلولی حکمفرما میباشد و بهمین دلیل است که در پی جوئی از چگونگی پدیده‌های اجتماعی و تفسیر حالات و اوضاع جامعه باید مجموعه هیئت اجتماع و ارتباط دستگاہهای مختلف آنرا در نظر گرفته و علل وجودی پدیده‌های اجتماعی را در فعل و انفعالات داخلی هیئت اجتماع جستجو نمود.

بعقیده ما حکومت اصل‌علیت و معلولیت در انواع پدیده‌های اجتماعی امری واضح و غیر قابل انکار است و استناد حوادث تاریخی و شرائط اجتماعی بتصادف و خودجوشی و بررسی آنها بصورت واقعه‌های جدا از هم و خلق الساعه‌ای کاملاً نادرست و دوراز واقعیت میباشد ولی این حقیقت مسلم نه‌بان معنی است که اراده و ادراک افراد در تکوین پدیده‌های اجتماعی و بنیانگیری حوادث تاریخی کوچکترین تأثیر و کمترین نقشی را نداشته و آنطور که در کیم مدعیست تمامی پدیده‌های اجتماعی در برابر عقل و ادراک اراده فردی دارای وجود مستقل و اصیل و منفصل نفوذناپذیری باشند.

دلیل واضح و ساده تأثیر عقل و اراده فردی در دگرگونیها و پدیده‌های اجتماعی و اقیات غیر قابل تردید است که تاریخ در زندگی اجتماعی شخصیت‌های بزرگ و برجسته تاریخ ضبط کرده است تحولات و نهضت‌های فکری و سیاسی و یادینی و اخلاقی که بتوسط مردان بزرگ تاریخ بوجود آمده پدیده‌های اجتماعی

گوناگونی را بدنبال آورده است که همگی از فکر و اراده فردی اینان مایه گرفته است و اینگونه شخصیت‌های دینی و یا علمی و یا سیاسی در زندگی اجتماعی خود توانسته‌اند نه تنها ادراکات و افکار و اراده خویش را از یوغ جبر و قهر اجتماعی و حاکمیت مبادی موهومی چون «عقل اجتماعی» برهانند بلکه با تکیه مبادی معنوی و یا علمی و فکری بی‌سابقه‌ای شرائط زندگی اجتماعی را دگرگون و افکار عمومی را تغییر دهند و جامعه نوینی را بنیاد نهند و پدیده‌های نوظهور اجتماع جدید را بر طبق فکر و اراده خویش رهبری نمایند.

قابل تردید نیست که عدم دخالت تعقل و اراده فردی در پیدایش بسیاری از پدیده‌های اجتماعی نیز غیر قابل انکار می‌باشد ولی نکته اساسی اینجاست که استقلال وجودی پدیده‌های اجتماعی در برابر دستگاه فکری و ارادی فردی یک قانون عمومی و غیر قابل نقض نبوده و در باره تمام حوادث و پدیده‌های اجتماعی صادق نمی‌باشد و این حالت تنها در مورد پاره‌ای از پدیده‌ها و مظاهر اجتماعی قابل صدق بوده و بسیاری دیگر از حالات و پدیده‌های اجتماعی در برابر قدرت فکری و ارادی فردی قابل انعطاف و نفوذ پذیر می‌باشد.

### اصل علیت عقل اجتماعی

دومین اصلی که در استنتاجات این دانشمند یهودی در فروکوبی ادیان مورد استفاده قرار گرفته موضوع اصلت عقل اجتماعی جامعه و علیت آن نسبت به همه پدیده‌ها و حالات اجتماعی است.

بدیهیست قبل از بررسی این اصل باید در باره واقعیت عقل اجتماعی که بنا بنظریه این دانشمند مبدء اعلی و علت العلل همه دگرگوئیهای اجتماعی است کمی دقیق شده و ماهیت آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

قابل تردید نیست که در زندگی اجتماعی بمقتضای روابط مختلفی که بنا بر ضرورت بوجود می‌آید اصطکاک و فعل و انفعالاتی از نظر فکری و روانی بین افکار و عقائد افراد يك جامعه صورت می‌گیرد که سرانجام در بسیاری از امور يك نوع وحدت فکری و اشتراك نظر و تبانی قهری منتهی می‌گردد . این نوع شعور مشترك و وحدت نظر را می‌توان با دراکات مشترکی که در اذهان جمعی به‌نگام فرا گرفتن درس و یا استماع گفتاری منعکس می‌گردد تشبیه نمود و از این‌رو معمولاً يك فرد اجتماعی در عین اینکه واجد يك سلسله تصورات و ادراکات مخصوص بخود میباشد همچنین از يك شعور مشترك و ادراك متحدهی برخوردار است که در آن با دیگر افراد جامعه یکسان میباشد و بهمین جهت است که ما در مقایسه روانی و فکری دو فرد که یکی اجتماعی و دیگری منزوی از اجتماع میباشد فرق فاحشی از نظر تعقل و کیفیت ادراکات احساس مینمائیم .

ولی این حقیقت مسلم هیچگاه دلیل آن نمیتواند باشد که اجتماع و جامعه بطور مستقل و جداگانه در قبال عقل و ادراك فردی و اجديك دستگاه ادراکی منفصل و اصیلی میباشد زیرا اجتماع بجز همان حالتی که از تراکم و همزیستی افراد مرتبط بوجود می‌آید واقعیت عینی مشخص و متمایزی ندارد و اگر نیروی ادراکی و دستگاه تعقلی در اجتماع وجود دارد از مجموعه دستگاههای عقلی فردی بیرون نیست نهایت هما‌نطور بیکه گفته شد فعالیت تعلقات فردی گاهی بصورت ادراکات اختصاصی است و گاهی بطور مشترك و اجتماعی و هماهنگ . بنا بر این اگر بخواهیم مثال صحیحی برای معرفی عقل هیئت اجتماعی بمنظور مقایسه با عقل فردی بیاوریم باید بگوئیم

اجتماع مانند حالت حیاتی موجود زنده است که با حیات مجموع اعضاء و دستگاہهای حیاتی موجود زنده تحقق می‌یابد ولی حقیقتی جز حقیقت حیاتی این دستگاہهای مرتبط و هماهنگ ندارد در صورتیکه بنا بر گفته و ادعای «درکیم» نسبت عقل اجتماعی بعقل فردی نظیر دستگاہ تعقل انسان نسبت با دراکت عضوی - اگر اطلاق ادراک و تعقل در مورد اعضاء بدن صحیح تلقی شود - می‌باشد ولی تصویر این مطلب در مورد عقل اجتماعی کاملاً از واقعیت عینی بدور بوده و جز همان حالت شعور مشترك و تعقل اجتماعی که بر اثر اصطکاک و فعل و انفعالات فکری و روانی در آن‌ها افراد منعکس می‌گردد حقیقت اصیل و منفصل دیگری را بعنوان عقل اجتماعی جامعه نمیتوان تصور نمود نکته دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد مسئله چگونگی تکون عقل اجتماعی است که بنا بر عقیده جامعه شناس فرانسوی نامبرده مطلبی بس پیچیده و بغرنج و غیر قابل تصور بنظر میرسد .

وی که عقل اجتماعی را دستگاهی جدا و مستقل و برتر و بالاتر از عقل فردی معرفی میکنند در باره چگونگی بنیانگیری عقل اجتماعی باین توضیح مختصر و نارسا اکتفا میکنند : *در علم انسانی و مطالعات فرهنگی*

عقل اجتماعی محصول تعداد زیادی از روانها و عقلهای فردی است که ناگزیر در زندگی اجتماعی بیک حالت واحد و سلوک متحد و تفکر مشترکی رسیده و در یک سنخ شعور و تعقل استقرار می‌یابد .

بدیهیست این بیان خود اعتراف بتأثیر شعور و عقلهای فردی در بنیانگیری عقل اجتماعی را در بردارد چنانکه همین اعتراف بطور ضمنی اعتراف بتأثیر شعور فردی در تکون پدیده های اجتماعی را - که بعقیده درکیم معلول عقل اجتماعی است - در بر میگیرد .

اصولاً نفوذ ناپذیری عقل اجتماعی - بهر معنی که فرض شود - مطلبی بی اساس و توهمی بیش نیست و همانطوریکه در مورد پدیده های اجتماعی گفتیم دگرگوئیهای اساسی که با نهضتهای بزرگ دینی و یا علمی و یا سیاسی مردان برجسته تاریخ همراه بوده است گواه زنده و دلیل غیر قابل تردیدی بر نفوذ پذیری تمام مظاهر زندگی اجتماعی در برابر فکر و تعقل واراده فردی میباشد .

احتیاج بتوضیح ندارد که عقل اجتماعی بدان معنی صحیحیکه در سابق بیان نمودیم نیز در مقابل شعور و عقل فردی قابل انعطاف بوده و بی شک قدرت فکر و شعور فردی در بسیاری از موارد میتواند افکار عموقی و عقل را بکلی دگرگون اجتماعی سازد .

اکنون با توجه باین بیانات باید ارزش علمی اصل علیت عقل اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و نقش آنرا در زمینه تکون پدیده های اجتماعی ارزیابی نمود .

اگر ما بتوانیم واقعیت قابل درکی برای عقل اجتماعی تصویر نمائیم تأثیر و علیت آنرا نسبت بیک سلسله پدیده ها و حالات و شرائط اجتماعی باید غیر قابل انکار تلقی کنیم زیرا تکون و بنیانگیری پدیده هایی چون عادات و سنن اجتماعی و باره ای از قوانین طبیعی و عرفی معلول طرز تفکر اجتماعی و افکار عمومی و ادراکات مشترك اجتماعی است که ما از آن به عقل اجتماعی تعبیر می نمائیم .

### اصل حاکمیت پدیده های اجتماعی

در تئوری جامعه شناسی درکیم سومین اصلی که نقش قابل توجهی را در استنتاجات فلسفی وی بعهده دارد اصل حاکمیت پدیده های اجتماعی و مقهوریت و مشاعر و اراده های فردی در برابر آن میباشد بر طبق این اصل انعطاف افراد در برابر پدیده های اجتماعی اجتناب ناپذیر بوده و تطابق شعور فردی با پدیده های اجتماعی بطور جبر و ناخود آگاه صورت میگیرد. بدیهیست تأثیر قهری يك سلسله پدیده های اجتماعی از قبیل عادات و رسوم و بعضی از قوانین و آداب غربی در فکر و اراده بسیاری از افراد قابل انکار نیست ولی اشکال مطلب در این است که این دانشمند با اصطلاح جامعه شناس از این واقیعت مسلم جزئی يك قانون عمومی و کلی در باره همه پدیده های اجتماعی و عموم افراد استنتاج میکند تا بدینوسیله بتواند گرایش توده ها را بادیان بصورت يك جبر و انعطاف غیر ارادی توجیه نماید.

ولی ما برای نقض کلیت و عمومیت اصل حاکمیت پدیده های اجتماعی بدلیلی جز شواهد زنده و حوادث قطعی تاریخ تحولات و نهضتها و انقلابهای بزرگ تاریخ بشر احتیاج نداریم و تاریخ گذشته خود دلیل قاطعی بر محکومیت بسیاری از پدیده های اجتماعی در برابر فکر و اراده فردی می باشد.

بجز اینگونه موارد معمولاً یکنوع علیت دو طرفه بین پدیده های اجتماعی و شعور و فکر و اراده فردی برقرار بوده و تأثیر و نفوذ متقابل توأم با يك سلسله فعل و انفعالات بین آن دو واقیعتی غیر قابل تردید میباشد.

### بررسی نتایج فلسفی نظریه درکیم

اولین قسمت از نتایج فلسفی که این دانشمند یهودی باستناد اصول

سه گانه گذشته استنتاج میکند حاوی تفسیر و توجیهیست که در باره پیدایش ادیان و بنیان گیری عقائد مذهبی بیان میدارد .

وی باستناد دواصل اول ، ادیان و مذاهب را بعنوان يك سلسله پدیده های اجتماعی خارج از قلمرو نفوذ فعالیت روانی و فکری فردی دانسته و صرفاً مولود عقل اجتماعی می شمارد .

بدیهیست با توضیحاتیکه درباره ارزش علمی دواصل مزبور بیان داشتیم نیازی بر توضیح بیشتر بمنظور بطلان استنتاج فوق نیست ولی از تذکر این نکته ناگزیریم که صرف نظر از نادرستی اصول و مبانی این استنتاج فلسفی و نادرست بودن اصل نتیجه گیری اینگونه مطالب فلسفی از بحثها و بررسیهای اجتماعی اصولا ادیان و مذاهب آسمانی در آغاز پیدایش نه تنها بر طبق مقتضیات افکار عمومی و عقل اجتماعی نبوده بلکه هدف آنها مبارزه با افکار و مقتضیات اجتماعی معاصر و تثبیت تعقل و فکر و روش نوین بوده است .

نکته دیگری که تذکر آن در اینجا ضروری بنظر میرسد اینست که با مطالعه و بررسی اصول اساسی ادیان آسمانی معلوم میگردد که حقائق اصیل این ادیان هیچگاه تغییر و تبدیلی نیافته و رهبران واقعی این ادیان این - گونه عقائد و تعلیمات اصیل را بصورت حقائق ثابت و غیر قابل تغییری معرفی نموده اند در صورتیکه بنا بنظریه این دانشمند جامعه شناس که ادیان را بر اساس متغیر و متحول عقل اجتماعی بنامی نهد می بایست دائماً دستخوش تحول بوده و مشترکات ادیان تنها در جنبه های فرعی و غیر اصیل آنها محفوظ و مصون از تغییر باشد .

دومین قسمت از استنتاجات نظریه عقل اجتماعی مربوط بکیفیت

گرایش افراد بادیان میباشد که بعقیده دانشمند مزبور امری قهری و بصورت يك انعطاف جبری و غیر ارادی صورت میگیرد. وی این استنتاج را از سومین اصل یعنی از حاکمیت پدیده‌های اجتماعی بدست آورده است و با توضیحی که در باره این اصل دادیم ارزش این استنتاج نیز بخوبی روشن میگردد .

نکته ای که در اینجا باید اضافه کرد اینست که معمولاً گرایش بادیان بهنگام آغاز پیدایش بطور تدریجی و با کمال کندی صورت گرفته است و همواره تعداد گروندگان بدین درمقایسه با تعداد افرادی که از تبعیت ادیان سرباز میزند کمتر و در بسیاری از موارد ناچیز میباشد.

این حقیقت مخصوصاً در مورد آئین مقدس اسلام کاملاً صادق بوده و بشهادت تاریخ در آغاز طلوع اسلام تعداد مسلمین ناچیز و گسترش آن بطور تدریج و بر اثر علل و عوامل خاصی انجام گرفت مطالعه این انگیزه ها بخوبی میرساند که انتشار ادیان و بالخصوص اسلام هیچگاه بصورت انعطاف قهری و گرایش جبری نبوده و همواره از روی اراده و فکر و فطرت افراد صورت گرفته است .

### نتیجه نا پایداری به پیمان

بعقیده من ملتی که بر عهد خویش پایدار نباشد و بر پیمان و میثاق خود وفاندارد چه بزرگ و عظیم و چه کوچک و ناچیز، هر اندازه هم که نیرومند باشد ، در نزدیکترین آینده محکوم به انقراض و فنا خواهد بود .

( علی (ع) )